

یک اتفاق ساده

هویت مستقل سینمای کوتاه



کیوان کتیریان

● استقبال فراوان علاقه‌مندان از سی‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه تهران، بسیار خوشحال‌کننده و در عین حال هشداردهنده است. بار دیگر ثابت شد فیلم کوتاه طرفداران پروپاقرص خودش را دارد و خیلی‌ها هستند که به آن به‌عنوان سکوی پرتاب به سوی ساخت فیلم بلند نگاه نمی‌کنند و آن را صاحب هویتی مستقل می‌دانند. فیلم کوتاه به‌عنوان بخش مهمی از دنیای سینما، اهمیت و جذابیت‌های خاص خود را دارد. ساخت یک فیلم کوتاه خوب، گاه از ساخت یک فیلم متوسط بلند دشوارتر و ارزشمندتر و تماشایش هم خوشایندتر است. فراغت از گیشه و راهی از سرمایه‌گذاری‌های کلان به سینمای کوتاه، ویژگی‌های متفاوتی به سینمای حرفه‌ای می‌بخشد که راه تجربه‌گرایی و بروز خلاقیت را همواره باز نگه می‌دارد. اما وجود این همه علاقه‌مند، هشداردهنده و قابل تأمل هم هست و حالا دیگر باید جدی‌تر به مسئله عرضه فیلم کوتاه فکر کرد. در حوزه عرضه فیلم کوتاه، تلوزیون باید بسیار جدی‌تر در نمایش این فیلم‌ها مشارکت کند، گرچه تلوزیون ما کی نسبت به همکاری‌کردن با سینما تمایلی نشان داده که حالا چنین توقعی داشته باشیم؟! همچنین با تشکیل باتوق‌های ثابت نمایش فیلم کوتاه در مراکز فرهنگی، این باتوق‌ها به کانون تجمع منظم فیلم‌سازان و علاقه‌مندان فیلم کوتاه تبدیل شود تا نمایش فیلم کوتاه محدود به زمان جشنواره فیلم کوتاه تهران نماند و به یک روند و جریان بدل شود. البته ظاهرا تشکیل این باتوق‌ها آغاز شده و می‌شود امیدوار بود با گسترش چنین مراکزی در نقاط مختلف تهران و البته شهرستان‌ها، هم فیلم‌سازان کوتاه انگیزه بیشتری برای نمایش فیلم‌هایشان داشته باشند، هم به نیاز مشتاقان تماشای فیلم کوتاه پاسخ داده شود و مهم‌تر از همه، فضاهایی برای کپ و گعده و حرف‌زدن درباره سینما پدید آید. در سال‌های اخیر بارها اثبات شده سینمای کوتاه و مستند ایران، از سینمای بلند حرفه‌ای جلوتر حرکت می‌کنند و قابل اکتاترند. از همین‌رو لازم است به این بخش‌های سینما بیش از اینها و به اندازه استحقاقشان توجه شود.

اتاق روشن

نمایشگاه «تداوم ۴» افتتاح شد
غوغای ۴ عکاس

● **بهناز شیربانی**، ساختمان قدیمی زیبایی که با سبزرنگ از کوچه جدا شده، شباهتی به دیگر ساختمان‌های امروزی ندارد. حتی از دحام آن هم شبیه دیگر از دحام‌ها نیست. در طبقه‌ای که مدت‌هاست به نام گالری شماره ۶ می‌شناسیم، ازدحامی نمی‌بینیم که باعث غافلگیری مخاطبانش شود. همه انتظار این حجم استقبال را از نمایشگاه چهار بانوی پیشگام عکاسی دارند؛ آثاری که از نگاه شخصی آنها بر دیوارهای این نمایشگاه خودنمایی می‌کند. مریم زندی، مترجم محاسنی، رعنا جوادوی و غوغا بیات از جمله عکاسان زن برجسته‌ای هستند که فعالیت حرفه‌ای را در دهه ۱۳۵۰ آغاز و پس از ۴۰سال در کنار هم در نمایشگاه «تداوم ۴» حضور پیدا کرده‌اند. در میان ازدحام و شلوغی نمایشگاه با ابراهیم حقیقی درباره نگاهش به این نمایشگاه صحبت کردیم. توصیف حقیقی از این نمایشگاه‌ها با حضور چهار بانوی هنرمند در کنار یکدیگر آغاز شد: «نمایشگاه بسیار دیدنی است و اینکه چهار روایت شخصی از چهار عکاس بانوی معاصر را می‌بینم و این از جذابیت‌های نمایشگاه است». او ادامه داد: «در کارهای رعنا جوادوی حس زنانگی پررنگ‌تر است و دقیقا از نگاه یک زن محاسنی شده است. مقصودم مزیت این آثار بر دیگر آثار نیست بلکه نکته‌ای است که برای من جذاب بود. نکته حائزاهمیت در این نمایشگاه یکدستی آثاری است که می‌بینم، اینکه برای نمایش این آثار در کنار یکدیگر طراحی و فکر شده است و لازمه هر نمایشگاهی است، خصوصا نمایشگاه عکس که یک تفکر منسجم را روایت می‌کند». حقیقی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به بخش دیگری از فعالیت‌های این چهار بانو اشاره کرد و گفت: «تداوم کار، لازمه فعالیت هر هنرمندی است و اتفاقی است که در کار این چهار بانو می‌بینیم، عکاسی‌کردن و حضورداشتن برای زنان در جامعه ما سخت‌تر بوده و البته حضور پررنگ‌داشتن کمی مشکل‌تر از حضور مردان است و این چهار بانو در طول سال‌ها کارکردن، همچنان فعال هستند و پرکار بوده‌اند که ستودنی است». این طرح گرافیک و عکاس در پایان گفت: «این روزها دوربین را دست هسه می‌بینیم، با این دوربین می‌توان اثر هنری تولید کرد و می‌توان اثری خلق کرد که رویانگر حس درون یا نگاه شخصی یک عکاس باشد. تفاوت بزرگ نمایشگاه «تداوم ۴» در این است که حسی به مخاطب منتقل می‌کند که عکاسی را از یک گزارش خارج می‌کند و به سمت یک روایت می‌برد و در همه آثار می‌توان این نکته را دید». نمایشگاه «تداوم ۴» تا ۲۸ آبان‌ماه ادامه دارد. گالری شماره ۶ در خیابان میرزای شیرازی، کوچه بیستم، پلاک ۲، طبقه همکف واقع است.

شرق: توقیف غیرمنظره انیمیشن ضدصهیونیستی «فهرست مقدس» در لبنان از محصولات سازمان اوج، فعالیت‌های بین‌المللی این سازمان دولتی را معرض توجه قرار داده است. در روزهای گذشته خبر رایزنی این سازمان با مل کیسسون، کارگردان و بازیگر هالیوودی، برای حضور در فیلم سینمایی «آخرین پرواز کرس» ر سانه‌ای شد؛ فیلمی با موضوع عبدالملک ریگی، از تروریست‌های منطقه شرق ایران که به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی پرداخت؛ پروژه‌ای که ظاهرا از طرف «اوج» مدتی در حال پیگیری است و حتی پیش از این ادعا شده بود مل کیسسون برای مذاکرات درباره این فیلم به ایران هم سفر کرده است. این خبر را البته روابط‌عمومی سازمان اوج بلافاصله تکذیب کرد؛ باین‌حال گفته شد سازمان اوج فیلم‌نامه «آخرین پرواز کرس» را که حسین بهزاد آن را نوشته، برای انیمیشن فرستاده تا آن را مطالعه کند. گفته شده کیسسون قرار است نقش یک ژنرال آمریکایی را در این اثر ایفا کند.

اوج‌گیری با «اوج»

نام «اوج» اول‌بار با پخش مستندهایی از این سازمان در مخالفت با مذاکرات هسته‌ای مطرح شد؛ مستندهایی با نام‌های «رژیم بازرسی‌ها»، «لجن‌دگرگ»، «هنوز نمی‌توانیم»، «فکت‌شیت ملت» و «بازرسی‌های بی‌سابقه» که در قالب برنامه‌های خبری- تحلیلی صداوسیما روی آنتن رفت. یکی از ویژگی‌های این مستندها بدون شناسنامه‌بودن و دسترسی آسان به آنها در فضای اینترنتی بود. محمد حسینی، مدیرعامل این مؤسسه فرهنگی- رسانه‌ای، در یک نشست خبری در شهریور ۹۲، شکل‌گیری اوج را چنین توضیح داده بود: «این سازمان به‌عنوان یک تشکل مردم‌نهاد با رزومه بین‌المللی که دو سال از عمر آن می‌گذرد، مجموعه‌ای است که با کنار هم قرارگرفتن مؤسسات فعال در حوزه هنر و رسانه شکل گرفته است. در ۲۰ قسمت فیلم‌ها به هم‌تحدابه بوده و کار آن حمایت از اشخاصی است که در این حوزه کار می‌کنند». اوج پس از آن از ابراهیم حاتم‌ی‌ک‌یا در ساخت فیلم «بادیگارد» حمایت کرد تا نام این رسانه بیش از پیش مطرح شود. به‌مرور اخباری

درباره فعالیت‌های بین‌المللی این سازمان منتشر شده که البته بیشتر به «بلندپروازی» شبیه است. در کنار اینها این سازمان شدیداً در حال تولید مجموعه‌های تلوزیونی است. به گزارش تسنیم، پس از سریال «آسمان من» به کارگردانی محمدرضا آهنگ که از شبکه‌های سیما پخش شد، این سازمان ۱۶ سریال را در دستور تولید خود دارد که پنج سریال آن الف ویژه خواهد بود و قرار است این زنجیره تولید ادامه داشته باشد. یکی از این سریال‌ها مجموعه «شادآباد» با موضوع نقش اجتماعی مسجد در زندگی شهری، به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی، کارگردانی امیرمهدی پوروزیری و نویسندگی حسین حسینی و محمدرضا محسنی‌راد است که در ۲۰ قسمت تولید می‌شود. یکی دیگر از مهم‌ترین تولیدات مؤسسه اوج، تولید سریال «کشتار مرگ» با محوریت جنایات صدام، نوشته علیرضا نادری است که فیلم‌نامه آن در مرحله پایانی نگارش قرار دارد، اما هنوز درباره کارگردانی این



از چپ: هاشمی، حسینی، (مدیر عامل اوج) و هاشمی

از مستندهای بدون شناسنامه تادعوت از «مل کیسسون»

«اوج» چگونه اوج می‌گیرد

اثر گه‌زانه‌ئی‌ها ادامه دارد. تولید سریال «هنگام بیداری»، به کارگردانی سیروس مقدم از دیگر مجموعه‌هاست که به مقطع تاریخی مقاومت مردم بوشهر در برابر انگلیسی‌ها و شخصیت آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری می‌پردازد و هم‌اکنون در مرحله انتخاب و تعیین عوامل به‌سر می‌برد و قرار است در ۴۰ قسمت از اواخر اسمایل کلید بخورد. سریال «دختر شیئا»، به کارگردانی نرگس آبیار هم از دیگر آثار این مؤسسه است که در مرحله نگارش قرار دارد و اقتباسی آزاد از رمان «دختر شیئا»، نوشته بهناز ضرابی‌زاده است. این سریال قرار است به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی در ۱۳ قسمت تولید شود. تولید «حسن یوسف» هم قرار است به نویسندگی کارگردانی محمدرضا بقیدی‌کیا تولید و در چند ماه آینده وارد مرحله فیلم‌برداری شود. سریال «حسن یوسف»، زندگی یک زوج جوان را روایت می‌کند که در بستر زندگی و چالش‌های روزمره تلاش دارند به زندگی

گفت‌وگو با محمد یعقوبی، نویسنده و کارگردان

تئاتر جایی برای حسرت خوردن نیست

رضا آشفته

اگر بخواهیم ۱۰ هنرمند تئاتر پس از انقلاب را انتخاب کنیم، بی‌تردید محمد یعقوبی یکی از آنهاست؛ کارگردانی که همواره سعی کرده در تئاتر ایران منشأ تحول و دگرگونی باشد؛ چه در دنیای متن و درام‌نویسی و چه در زمینه اجرا و کارگردانی، بنابراین شاید این خود تنها دلیلی موجه باشد برای اینکه همچنان مخاطب داشته باشد و حتی در بازتولید آثارش نیز این توجه و حمایت مردمی همچنان برقرار بماند. نمایش «ماه در آب» که کمپانی تئاتر باران تهیه‌کنندگی آن را برعهده دارد، با بازی آیدا کیخایی، ناهید مسلمی، مهدی کوشکی، فهیمه امن‌زاده، پدram شریفی، علی سرابی، باران وقارکاشانی، آهو شاهشون و با صدای مارال بنی‌آدم از ۲۳ آبان روی صحنه می‌رود. جدیدترین اثر یعقوبی به‌دلیل استقبال مخاطبان در پیش‌فروش؛ در روزهای پایانی هفته در دو سانس ۱۸.۳۰ و ۲۰.۳۰ روی صحنه می‌رود.

دوش به چشم خودمان می‌رود. آنها چرا دلواپسند؟ بهتر نیست هرکس کار خودش را بکند. آن مخالفان اگر نمایش‌نامه‌نویس یا کارگردان هستند کارهای نو خودشان را اجرا کنند، ما را هم به حال خود بگذارند که کار خودمان را بکنیم. اگر هم این مخالفان جمعی از نقدنویسان یا تماشاگران تئاتر هستند که در گذشته کارمان را تماشا کرده‌اند، اینها می‌توانند به تماشای دوباره کارهای ما ننشینند. ما نمایش‌هایمان را برای ده سال ۱۰ با وجود شصت اجرا هنوز می‌توانستیم به اجرا ادامه بدهیم و تماشاگر داشتیم؛ ولی چون گروهی دیگر منتظر اجرا در آن سالن بودند ناگزیر چندین سالن را خالی کنیم. وقتی اجرای دوباره «زمستان ۶۶» را در تئاتر شهر شروع کردیم، عده‌ای از تئاتری‌ها هم اعتراض کردند که تئاتر شهر نباید به اجرای دوباره یک تئاتر اختصاص داده شود. خوشبختانه حالا دیگر تعدادی سالن خصوصی در تهران وجود دارد که می‌توانیم دوباره کارهایمان را در این سالن‌ها اجرا کنیم. فکر هم نکنم دیگر کسی اعتراض به اجرای دوباره این کارهایمان داشته باشد چون بیشتر آن معترضان چند سال بعد کارهای خودشان را بازتولید کردند. حالا با وجود سالن‌های خصوصی در تهران، بدون نگرانی تمام کارهایمان را دوباره اجرا خواهیم کرد و تا زمانی که درآمد کارهایمان کم‌تر از نیازهایمان نباشد.

● **این تغییر در متن، بازیگری و طراحی چقدر می‌تواند با آنچه بازتولید تعریف خواهد شد همخوانی داشته باشد؟**

فراتر از هم‌خوانی است. همان‌طور که گفتیم، این اجرا با اجرای گذشته در طراحی صحنه فرقی اساسی دارد و در متن هم تغییرات جزئی‌نگرانه و برخی بازیگران هم تغییر کرده‌اند، اما اگر هیچ ایده‌ای برای تغییر هم نداشته‌ام باز هم ماه در آب را اجرا می‌کردم. بازتولید در ساده‌ترین شکلش یعنی اجرا بدون هیچ‌گونه تغییری. باین‌همه تاکنون هیچ‌کدام از اجراهای دوباره کارهایمان مثل اجرای پیشین نبوده. اجرای دوباره همیشه تاکنون فرصتی نبوده برای بازیگری و نقد گذشته خودم در نگارش و کارگردانی، به نظرم آنهایی که بازتولید نمی‌کنند، اگر کارشان ارزش اجرای دوباره دارد اشتباه بزرگی می‌کنند.

● **بنابراین شما از جمله هنرمندان معتقد به نقد هستید؟**

«زمستان ۶۶» نشان داد که بلام‌خودم را نقد کنیم. البته متن‌هایم تغییر ماهیتی نمی‌کنند ولی تغییر در جزئیات مهم است. وقتی بازتولید هر کاری را شروع می‌کنم، از تماشای فیلم اجرای قبلی آن کار برهیز می‌کنم و خودم را در معرض این آزمون می‌گذارم که حالا چه خواهیم کرد. خوشبختانه حافظه خوبی ندارم که جزئیات کارهای قبلی را به یاد آورم، به خودم فرض می‌کنم اولین‌بار است که می‌خواهم کارگردانی کنم. این تلاش دوباره برای کارگردانی برام لذت‌بخش است. تنها چیزی که از اجرای گذشته

خود ادامه و در برابر مشکلات زندگی‌شان بهترین انتخاب را انجام دهند. این سریال از این نظر که وقایع بیرونی و ملموس سال‌های اخیر کشور به‌وضوح در آن مشاهده می‌شود، با سایر سریال‌هایی که در موضوع سبک زندگی تولید شده، متفاوت است. همچنین سازمان هنری اوج به‌زودی ساخت چند اثر سینمایی را نیز آغاز خواهد کرد. سیاست‌گذاری راهبردی در حوزه تولیدات هنری گفتمان انقلاب اسلامی، شناسایی و توانمندسازی مؤسسات و استعدادهای جوان و خودجوش، سازماندهی و نهایتا سفارش تولید محصولات حرفه‌ای، توزیع، نظارت و ارزیابی بر فعالیت‌های فوق از جمله اهدافی است که سازمان اوج برای ادامه فعالیت‌هایش در نظر گرفته.

خبرساز یا واقعیت؟

ایرانی با درخشش در جشنواره‌های معتبر با طریق همکاری‌های بین‌المللی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی، معرف خوبی برای سینمای ایران بوده‌اند. این سینما از طریق همین فعالیت‌ها جایگاه خوبی در سینمای جهان دارد. اما سؤال اینجاست که ایجاد روابط بین‌المللی در ساخت فیلم می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط‌های بیشتر سینمای ایران با سایر کشورها شود؟ در همین راستا، گهگاه خبرهایی مبنی بر حضور بازیگران هالیوودی در فیلم‌های ایرانی رسانه‌ای می‌شود. شاید پررنگ‌ترین آنها تصمیم اولیور استون برای ساخت مستند احمدی‌نژاد، حضور بازیگران خارجی در پروژه کوروش کبیر یا حضور آتجلینا جولی در فیلمی ایرانی بود؛ خبرهایی که هیچ‌یک به نتیجه نرسیدند و بیشتر خبرسازی بودند تا خبر. درنهایت پروژه‌هایی که قرار بود سینماگران خارجی را به ایران بکشاند اتفاق نیفتاد. تحقق مذاکرات سازمان اوج با کیسسون هنوز مشخص نیست. اما باید پرسید که فیلمی مدل از تماشای‌های بین‌المللی سینمای ایران با دنیا، به بهتر دیده‌شدن آن کمک کرده؟ تلاش‌های فردی کارگردانانی مانند فرهادی و کیارستمی یا همکاری با فیلم‌سازان و ستاره‌های دنیا؟

● **نمایش «ماه در آب» تغییرات در چه حد است؟**

اول بگویم که با این نحوه تولید و فروش فیلم تئاتر مخالف هستم با آنکه فیلم‌ها فروش می‌رود ولی هیچ دستمزدی تاکنون از فیلم‌برد بالشی و شام با دوستان به ما پرداخت نشده و این مشکلات است تماشاخانه‌ایرانشر ایجاد کرده و مدیر فعلی نمی‌تواند ادعا کند این مشکل مدیر قبلی بود. ما ایران‌شهر را طرف قرارداد می‌شناسیم نه مدیر قبلی را. دیگر اجازه نخواهم داد که تئاترهایمان فیلم‌برداری و منتشر شود. با آنکه خشکسالی و دروغ چندین بار تیراژ داشته اما فقط یک بار مبلغ ناچیزی برای تیراژ دوم به ما پرداخت شده همین. فیلم اجرای قبلی مرد بالشی بدون شک تأثیری منفی در تعداد تماشاگران اجرای دوباره ما گذاشت. باعث شد بیش‌تر از ده شب نتوانیم مرد بالشی را اجرا کنیم. البته در همین ده شب جز یکی، دو شب پلیر از تماشاگر بود. به‌رحال در همین حد هم یک تجربه خوب بود چون بازیگران مشتاق بودند کارشان در میان هم‌زمانشان دیده شود که شد.

● **به هر تقدیر بُر‌هایی هم در زمینه‌های مختلف از جمله بازیگری داشته‌اید...**

بله، همین‌که بازیگران دیگری ایفای نقش کرده‌اند فضای متفاوتی در کار ایجاد شده. بر همین اساس کارگردانی ما با اجرای سال ۹۲ فرقی‌های داشت. کارگردانی که گفتیم این امتیاز تئاتر در قیاس با سینماست. هزاران نفر تاکنون هملت را بازی کرده‌اند و پس از این هم بازی خواهند کرد. این جذابیت تئاتر است.

● **با فیلم خشکسالی و دروغ چقدر موافق هستید؟**

من هنوز فیلم را ندیده‌ام اما با توجه به شنیده‌ها و اینکه بی‌دلیل موجه هنری پانزده دقیقه در زمان تدوین آن کوتاه‌شده است نتیجه نمی‌تواند دل‌خواه من باشد. زمانی که در ایران بودم، از فیلم ۱۲۰ دقیقه‌ای، پانزده دقیقه با موافقت من کوتاه شد ولی بعد از رفتن به کانادا پانزده دقیقه دیگر بدون اجازه من کم شده که ربطی به سانسور ندارد. دلیل هنری هم ندارد. فقط از ترس اینکه میاد تماشاگر خسته شود و اینکه سینماداران ترجیح می‌دهند فیلم ۹۰ دقیقه‌باشد تا تعداد بیشتری توبت اکران داشته باشند، ۱۵ دقیقه از فیلم کم شده. این‌ها دلیل هنری نیست و باج‌دهی به مردم یا سینماداران است که در کل به اثر هنری لطمه می‌زند.

● **آیا نمایش «خشکسالی و دروغ» را باز هم کار می‌کنید؟**

بله چون این فیلم نتوانسته نظر من فیلم‌نامه‌نویس را تأمین کند و حس می‌کنم این فیلم تصویر ناقصی از فیلم‌نامه من است. شاید علاوه بر اجرای آن، فیلم‌نامه‌خوانی برگزار کنم. چون سکانس‌هایی در فیلم‌نامه بوده که در نمایش‌نامه نیست و در فیلم حذف شده. به‌رحال بعد می‌دانم فیلم مهمی شده باشد. این مشکل سینمایی است. به تیراژ پایانی برخی فیلم‌ها نگاه کنید؛ نام بازیگرانی را در فیلم خواهید دید که در فیلم آنها را ندیده‌اید. این اشکال سینماست که جنبه هنری سینما را مخدوش می‌کند. من حتی از فیلم‌تئاتر خشکسالی و دروغ هم راضی نیستم. بناغله‌ای که این فیلم‌تئاتر را آماده کرده، بدون اجازه من صداهای ذهنی شخصیت‌ها را در تارکی حذف کرده و لابد فکر کرده لزومی ندارد صداهای در صباهی تصویر شنیده شوند. این بناغله حتی به خودش زحمت نداده فکر کند یا چه رفتندی می‌توان این صداهای را تصویری کرد؟ فقط به حذف آنها فکر کرده است. من همان زمان به مدیر ایران‌شهر نامه نوشتم و خواستم صداهای فیلم‌تئاتر افزوده شود. با آنکه فیلم‌تئاتر مورد اقبال عمومی واقع شد، اما گویای اجرای ما نیست.

زیر آسمان فیروزهای

ابراهیم شریف‌زاده درگذشت

خاموشی «نغمه‌ریز خراسان»



● **شرق**: صدای «خون‌پاش و نغمه‌ریز موسیقی خراسان» خاموش شد. ابراهیم شریف‌زاده، یکی از سه خنیاگر باقیمانده از نسل طلایی موسیقی خراسان، پس از تحمل یک دوره بیماری، شامگاه جمعه ۲۱ آبان درگذشت. کمتر کسی از علاقه‌مندان موسیقی مقامی با صدای دلنشین و جادویی شریف‌زاده، غریبه است درحالی‌که شاید بسیاری از ما بارهاوبارها آلبوم زیبای «خون‌پاش و نغمه‌ریز» را با صدای او گوش کرده‌ایم، اما نمی‌دانستیم او در چه شرایط غربی به‌سر می‌برد. نغمه‌ریز خراسان ماه‌ها قبل از سفر ابدی‌اش، به فراموشی سپرده شده بود. اسفند ۹۴ خبرنگار «شرق» به‌همراه یکی از فعالان موسیقی خراسان به دیدار شریف‌زاده رفت؛ منبع شفاهی بزرگ موسیقی خراسان که بی‌مهری زیادی به او شده. در جایی خواننده بودیم محمد حکگو، موسیقی‌دان و استاد دانشگاه موسیقی تهران. درباره شریف‌زاده گفته: «صدای استاد شریف‌زاده فرصت لذت‌بردن را از انسان می‌گیرد و انسان را وارد فضایی می‌کند که در آن لحظه نمی‌تواند لذت ببرد و بعدا باید از آن لذت برد و در اصطلاح صدای شریف‌زاده انسان را مسخ می‌کند». باخزر، در ۴۵ کیلومتری تربت‌جام، محل زندگی انسان بزرگی بود که حتی بسیاری از همشهریان او، این استاد بزرگ را نمی‌شناختند. شریف‌زاده مدت‌ها به‌تهنایی زندگی می‌کرد و کسی سکوت معتادار نغمه‌ریز خراسان را نشنید. شریف‌زاده در آن دیدار شعر خواند، از غربت شکوه کرد و به «شرق» گفت: از مرگ نمی‌ترسم، مرگ چیز خوبی است و این تهایی و غربت است که طاقت آدم را می‌برد. نگاهش را خیره می‌کند و شعری را چندبار تکرار می‌کند: «چنان بساط عمل پهن کن در این بازار/ که دست و پا نکنی گم، به وقت برچیدن». در خانه ساده و بی‌پیرایه استاد، صدای نوای دوتار جاری و بعد از چندقیقه صدای بی‌بدیل استاد شریف‌زاده با آن همراه شد: «الهی بی‌پناهان را پناهی/ با سه سویی خسته‌ها اکنون نگاهی...». بعد، برخی از آهنگ‌ها را مثل «بهاره دخترعمو» که بسیاری از ما شنیده‌ایم خواند، اما برخی بیت‌ها را دیگر از یاد برده بود... حسین‌علی مردان‌شاهی، یکی از فعالان موسیقی مقامی خراسان و همچنین سرپرست گروه موسیقی فردای جام، در گفت‌وگو با «شرق» درباره اوضاع آن‌زمان این نوازنده گفته بود: «متأسفانه استاد شریف‌زاده اوضاع خوبی ندارد. آن‌را تیر گرفته‌اند و اگر پیگیری نشود، هرروز بدتر خواهند شد و درحال‌حاضر باید مدتی با او باشی تا ارتباط برقرار کند و اگر هرچه‌سریع‌تر به این گنجینه شفاهی رسیدگی نشود، دیگر همه آنچه در ذهن استاد است را از دست خواهیم داد. یکی به استاد عسگریان و از همه بیشتر به استاد شریف‌زاده اوضاع خوبی ندارد. آن‌را تیر گرفته‌اند و اگر داشت که می‌گفت: «برای اینکه هنر یک فرد دیده شود، باید در زمان و مکان و یاران مناسبی قرار گیرد؛ متأسفانه استاد شریف‌زاده هیچ‌کدام اینها را نداشت و منظور من از یاران، مردم و مستولان و هنرمندان و همه آنهاست. اصلا در منطقه کسی او را نمی‌شناشد، با وجود اینکه در موسیقی خراسان، آلبوم «خون‌پاش و نغمه‌ریز» شاهکار بود و هیچ آلبومی به اندازه این آلبوم، موسیقی خراسان را معرفی نکرد، ولی سهم استاد شریف‌زاده چه بود؟! شریف‌زاده به معنای واقعی کلمه، ویژگی‌های یک هنرمند فولکلوریک را داشت و با عشق‌انگیزهای جام نیز پرداخت. از معدود کسان یا به بیان درست‌تر گلپین‌بود، کارشناس به «یادایرگی‌ها» پرداخته است. سازی که می‌زد، دایره بود و به آن نیز به‌خوبی پرداخت. بهاره دخترعمو، سسرو خرامان و دلبر رعنا از دیگر قطعات معروف اوست. پیکر این هنرمند امروز، یکشنبه، ساعت ۹ صبح از مقابل منزلس تشییع و در کنار استاد محمدحسین سمندری به خاک سپرده خواهد شد.

جارچی

انگشتی‌های نفیس
در گالری مس‌نگار

● **شرق**: گالری مس‌نگار «انگشتی‌های نفیس مردانه ابوالفضل رحیمی» را در نمایشگاهی هفت‌روزه به معرض دید علاقه‌مندان گذاشته است. این نمایشگاه که از بیست‌ویکم آبان افتتاح شد، آثار دست‌ساخته و به‌هنرمیخته‌ای هنرمند را به نمایش گذاشته است. محمدحسن گلپین‌بود، کارشناس هنرهای سنتی ایران و مدیر گالری مس‌نگار درباره این نمایشگاه گفت: «انگشت در ادوار مختلف، چه در افسانه‌های کهن و چه در روایات تاریخی، همیشه نمادی بوده است از دو کلیدواژه و مفهوم پرعنای تعهد و قدرت. زمانی انگشت نام قدرت بود و حکام و بزرگان از آن به‌عنوان مهر و نشان خود برای اعتبار پیمان‌شان استفاده می‌کردند و از دوره‌ای هم مردان اهل ایمان به تاسی و نشان پیمان‌شان با پیامبر، انگشت به دست راست داشتند. این نمایشگاه به مدت هفت روز در تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، کوچه حکیم اعظم، برپا خواهد بود.